



خیلواکی

استقلال

[www.esteqaal.net](http://www.esteqaal.net)

سه شنبه ۲۳ جون ۲۰۲۶

تهیه، ترتیب و ترجمه: فریده نوری

## بازگشت چندین شکله تروریزم به افغانستان و پاکستان

نویسنده: Georges Lefevre, محقق

در مؤسسه روابط بین المللی و ستراتیژیک (IRIS)، متخصص افغانستان و پاکستان

و قبلاً مشاور سیاسی اتحادیه اروپا در پاکستان

بازگشت طالبان به کابل در سال ۲۰۲۱، بازی تروریزم را بطور عمیقی تغییر داد، زیرا اولاً دیگر طالبان شورشی نیستند، بلکه دارندگان دوباره قدرتی هستند که در سال ۲۰۰۱ از دست داده بودند و دوم اینکه نقشه جهاد بین المللی در بیست سال بسیار تغییر نموده است، به استثنای گره در منطقه افغانستان - پاکستان که در آن همیشه ترس و وحشت فعال و نگران کننده بوده است، مخصوصاً از زمانی که داعش از سوریه و عراق ناپدید شد. اما چرا این تمرکز بالای افغانستان است؟

**تشخیص علامات و یا نشانه های تاریخی و الهیاتی ساختار تروریستی در افغانستان - پاکستان**

Gilles Kepel در سال ۲۰۰۴ چنین نوشت که: "تروریزم اسلامی در افغانستان متولد شده است". در واقع از سال ۱۹۸۶ بن لادن تهداب یا پایگاه خود را در خوست در حاشیه مناطق قبایلی مستقر نمود، جایی که مقاومت افغان ها علیه اشغال شوروی بین سالهای ۱۹۷۹ - ۱۹۸۹ سازماندهی می شد. بعداً بسیاری از جهادی های نخستین شبکه القاعده، الجزایری ها، مصری ها، اردونی ها، و دیگران به کشور های خود باز می گردند و مهارت هائی را که در "جنگ مقدس" آموخته بودند، با خود وارد کشور های شان می کنند.

در الجزایر به آن ها افغان ها می گویند، که در حقیقت در تأسیس گروه اسلامی مسلح در طول "دهه سیاه" دهه ۹۰ نقش داشتند.

در همین وقت است که افغانستان با جنگ های داخلی مواجه می شود تا به گرفتن قدرت توسط طالبان در سال ۱۹۹۶ و بعداً رهبر طالبان ملا محمد عمر در سال ۱۹۹۸ با بن لادن همکاری می کند. بعد

از مداخله آمریکا در سال ۲۰۰۱ و سقوط رژیم طالبان، مقاومت در برابر مداخله غرب دوباره از خاک پاکستان شروع می شود: از کویت، بلوچستان برای طالبان افغان و از مناطق قبائیلی برای شبکه های تروریستی نزدیک به القاعده، مانند تحریک طالبان پاکستان که در سال ۲۰۰۵ در وزیرستان تأسیس شد و از آن جا به سرعت کنترل شش اداره دیگر را در مجاورت با افغانستان در ولایات پکتیکا، خوست، ننگرهار، کنر... به دست گرفت و تمام کمربند قبائیلی پشتون در مناطق مرزی که اکنون افغانستان - پاکستان نامیده می شوند به یگ گره یی مشکل (کور گره) تمام گروه های تروریستی تبدیل و یک ماشین فوق العاده آموزشی و صادراتی جنگجویان جهادی بین المللی گردید.

بدین ترتیب ال زرقاوی اردونی، اولاً از سال ۱۹۸۹ الی ۱۹۹۳ در پشاور و بعداً از سال ۱۹۹۹ تا ۲۰۰۱ در هرات افغانستان فعالیت نمود و سپس در سال ۲۰۰۳ القاعده را در عراق تأسیس نمود. بعد از اینکه در سال ۲۰۰۶ توسط یک حمله درون یا طیاره بدون سرنشین از بین برده شد، ابوبکر البغدادی جانشینش از القاعده جدا شد و در سال ۲۰۱۴ با اعلان نمودن خلافت در چوکات دولت اسلامی (داعش) قدرت را بدست گرفت. گرفتن قدرتش به حدی سریع و تعجب آور بود که اعضای سرکش طالبان پاکستان را تحت تأثیر خود قرار داد، که فوراً گروه خود را تشکیل دادند و به وی اعلان وفاداری نمودند، که سبب تولد دولت اسلامی خراسان در جنوری سال ۲۰۱۵ گردید. اما اکنون از سرزمین وسیع ایکه البغدادی تحت کنترل خود داشت چیزی باقی نمانده است (درگذشت البغدادی (۲۰۱۹)).

بسیاری از جنگجویانش زندانی شدند، در حالیکه به نظر اکثر متخصصین که تأیید نشده است، تعداد زیاد شان به افغانستان رفته اند تا صفوف دولت اسلامی خراسان را پُر کنند، طبق منابع روسی بیش از ده هزار نفر، و قرار برآورد نظامیان غربی، کمتر از یک هزار و دو صد نفر و قرار معلومات سازمان ملل، به تعداد سه هزار و پنجصد نفر تخمین شده اند.

فلهذا حلقه اول دولت اسلامی بنام دولت اسلامی خراسان شاخه افغان بوجود آمد. زمانیکه به تاریخ ۲۲ ماه می سال ۲۰۲۴ مسئولیت حمله و کشتن (۱۴۵) نفر را در یک سالون کنسرت در مسکو به عهده گرفتند، رسانه ها نظر به اینکه حمله کنندگان همه از تاجکستان بودند نه افغان، غافلگیر شدند و آنان را مربوط به سرحداتیکه در قلمرو خراسان می زیسته اند، ارتباط دادند، که گویا یک دولت بصورت مجازی با سرحدات از قبل مشخص شده موجود است. عین اشتباه را در سال ۲۰۲۴ در هنگام تشکیل خلافت نیز مرتکب شده بودند.

چون ما در اینجا از عاملان تروریسم در منطقه مورد بحث، حرف می زنیم که دقیقاً دولت اسلامی خراسان و القاعده هستند.

یک تعداد اصطلاحات اساسی جهت فهم و درک ماهیت دوباره بازگشت تروریسم اسلامگرا در افغانستان - پاکستان باید تعریف دوباره شوند.

اولتر از همه جهاد بین المللی سرحدات را رد می کند و به همین دلیل به بی ثباتی در سرحدات می پردازند تا فضا و زمینه را برای خلافت بزرگ که در رویا های شان دارند، آماده بسازند. (این از آرزو های عبدالله اعظم ( مشاور بن لادن، تاریخ وفات ۱۹۸۹ ) بود که نمی خواست و نمی توانست در محدوده کشور هائی که توسط غرب تعریف شده، قرار بگیرد (توافقات Sykes-Picot ۱۹۱۷ برای سوریه و عراق) و باید تمام امت و جامعه مسلمان و مومنان را که ارزش یک ملت را دارند، در بر بگیرد.

اگر حروف مخفف داعش را ترجمه کنیم:

:D.A.E.S.H (al-Dawla al-Islāmiyyah fī " al- 'Irāq wa al-Shām)

(الدوله الاسلامیه فی العراق و الشام). (دولت اسلامی عراق و شام)

این به معنی دولت یک اشتباه است که همه تحلیل را منحرف می نماید، معنی اولی دولت ادامه زمانی است که نشان دهنده تناوب است، بنابراین وقتی البغدادی خلافت را اعلان کرد از کلمه دولت استفاده نمود به معنای اینکه "حالا نوبت ماست".

این اصطلاح بجواب سخنرانی در سال ۷۴۹ در کوفه به مناسبت انتصاب اولین خلیفه عباسی که بعد از سقوط آخرین خلیفه اموی، برگزیده شد:

ای مردمان کوفه، ما مدت زیادیست که از حقوق خود محروم مانده ایم تا اینکه الله برای ما از مردم خراسان گروه ای را اعطا نمود که بواسطه آن ها دولت ما آشکار گردید. با ظاهر شدن خلیفه ای میان ما، شما را جانشین شام (سوریه) نمود، حکومت و بزرگی اسلام را به شما منتقل نمود. [...] و معنی حکومت خوب را. ( 2001 ) selon une étude du CNRS به قرار مرکز ملی ریسرچ و مطالعات ساینتیفیک ( ۲۰۰۱ ). ( CNRS ) ( Centre National de la recherche Scientifique )

طبق همین مطالعه ما در این جا به معنی سیاسی مفهوم دولت به عنوان انتقال قدرت مقابل هستیم، یک انتقال خشونت آمیز.

ادامه دارد..